علی باقریان

۹۳۶ سه مردِ سرافراز با لشکری
بیامد[۱] دَمان[۲] از درِ[۳] کشوری[۴]

۹۳۷ از این سه یکی کِهتر[۵] اندر میان
به بالایِ[۶] سرو و به چهرِ کَیان[۷]

۹۳۸ به[۸] سال است کِهتر فزونیش بیش
از آن مِهتران[۹] او نهد پایْ پیش[۱۰]

۹۳۹ یکی گرز[۱۱] دارد چو یک لَختْ کوه
همی تابد اندر میانِ گروه[۱۲]

۹۴۰ بِد[۱۳] اسپ اندرآمد[۱۴] بِد ایوانِ[۱۵] شاه[۱۶]
دو پُرمایه[۱۷] با او هَمیدون[۱۸] به راه

[۱] بیامد: بیامدند. [۲] دَمان: خشمگین، فریادزنان، به شتاب. [۳] از درِ: سزاوارِ، شایستهٔ، مناسبِ. [۴] احتمالاً، خواست شاعر این است که سه برادر و همراهان ایشان در بزرگی و شکوه چندان بودند که می توانستند کشورگشایی و کشورداری کنند یا از پس یک کشور برآیند. [۵] کِهتر: کوچک تر. [۶] بالا: قدوقامت. [۷] کَیان: جمع «کَی»؛ پادشاهان بزرگ. [۸] به: ازنظرِ. [۹] مِهتران: بزرگ ترها. [۱۰] [فریدون] کم سن وسال تر است، ولی از برادران بزرگ تر پیش تر گام برمی دارد (پیشتاز و پیشواست). [۱۱] گرز: ابزاری جنگی-چوبی یا آهنین-که معمولاً یک سرِ آن گِرد و سنگین است. (گرز فریدون سری همچون سر گاو داشت.) [۱۲] در میان گروه، [برجسته است و] می درخشد. [۱۳] بِد: به (در حالتی که کلمهٔ پس از آن با مصوت شروع شود، چنان که در «بِدان» و «بِدوی» و «بِدین»). [۱۴] اندرآمد: درون شد. [۱۵] ایوان: کاخ. [۱۶] با اسب به سَرایی درون شدنْ خوارداشتِ مالک آن بوده است. [۱۷] پُرمایه: بزرگ، نژاده، دانا، برومند. [۱۸] هَمیدون: همچنین.

گزارشی از یازدهمین کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور» در گفت وگو با ۲ تن از دست اندرکاران آن

بازار گرم اشعار ملی-میهنی

خادم

گفت‌وگو

آیین پایانی یازدهمین کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور»، عصر ۲۶ شهریور ۱۴۰۴، در آستانه روز ملی شعر و ادب فارسی در مشهد برگزار شد؛ جشنواره ای که البته در طول دوران حیات خود با فرازوفرودهایی همراه بوده و گاه پررونق و گاه بی رمق و بی جان برگزار شده است.

نگاهی ویژه به شعرهای ایرانی- اسلامی داشتیم

یوسف بینا، دبیر علمی یازدهمین کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور»، ضمن اشاره ای گذرا به همین امر، می گوید: ۱۰ دوره قبلی این کنگره با فرازوفرودهایی همراه بود؛ بعضی سال ها خیلی پررونق و بزرگ برگزار شد و بعضی سال ها کم رونق تر و کوچک تر. این جشنواره، به خاطر دوره های بسیار خوبی که در سال های قبل تر به مدیریت دبیرانی مانند آقای منوری و آقای گنجعلی داشت، خاطره خوشی بین شاعران برجای گذاشته بود، اما در سال های اخیر شاید خیلی رونق زیادی نداشت.

درعین حال، در دوره یازدهم تصمیم گرفته شد که این جشنواره باگستره ملی و حتی بین المللی، یعنی با دعوت از شاعران فارسی زبان افغانستان، برگزار شود.

اختتامیه این جشنواره در دوره های پیش در فاصله ۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت -که به ترتیب روزهای بزرگداشت فردوسی و خیام است- برگزار می شد، اما در این دوره چنین نشد. بینا درباره این تغییر تاریخ می گوید: ما امسال دو بار فراخوان را منتشر کردیم: یکی در بیست وپنجم و دومی در بیست وهشتم اردیبهشت ماه و تصمیم این بود که اختتامیه را در چهارم شهریور، روز بزرگداشت اخوان، برگزار کنیم، اما به علت جنگ دوازده روزه ای که رخ داد، کارها به تعویق افتاد که درنهایت در ۲۶ شهریور، در آستانه روز ملی شعر و ادب فارسی، اختتامیه را برگزار کردیم که مناسبت هم داشته باشد.

دبیر علمی یازدهمین کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور» در ادامه چنین آماری را از این دوره ارائه می دهد: حدود ۲۲۰ شاعر از ۵۲ شهر کشور تا پایان تیرماه برای ما حدود ۷۰۰ اثر فرستادند. در مرداد ماه، فرایند داوری توسط سه داور، آقایان محمدکاظم کاظمی، مهدی آخرتی وسیدحسین سیدی که در حوزه شعر سنتی، شعر نو و شعر آیینی از شاعران سرآمد کشور هستند، آغاز شد.

او در ادامه، درباره محتوای اشعار ارسالی، توضیح می دهد: در این دوره، برای شاعران هیچ محدودیت محتوایی یا مناسبتی یا موضوع سفارشی در نظر گرفته نشد؛ موضوع، آزاد بود و شاعران با هر موضوعی که دوست داشتند شعر فرستادند؛ اما نکته مهم این است که با توجه به وقایع امسال و جنگ تحمیلی دوازده روزه و بحث های فرهنگی و اجتماعی ای که در کشور رخ داد، به طور خودجوش، بیشترین تعداد آثار با موضوع ایران و عشق به ایران و شعرهای ملی-میهنی بود. البته ما در فراخوان گفته بودیم که نگاه ویژه ای به شعرهایی که با محوریت ایرانی-اسلامی سروده شده اند، داریم.

بینا نتایج اقدامات این دوره را چنین برمی شمارد: کتابی از برگزیده شعرهای کنگره آماده کرده ایم که در اختتامیه رونمایی شد. این کتاب مجموعه شعرهای برگزیده ای است که بیشتر آن ها حال وهوای ملی-میهنی دارند و اسم آن راگذاشته ایم «ایران نامه» که در روزهای آینده به صورت گسترده منتشر خواهد شد. همچنین، در آیین پایانی از دوتن از پیشکسوتان شعر خراسان، یعنی محمودرضا آرمین و محمد نیک که بیش از نیم قرن است به شاعری وفعالیت ادبی مشغول اند، تقدیر کردیم.

او درباره ادامه کار جشنواره می افزاید: برنامه این است که برای آینده دبیرخانه دائمی کنگره را با همکاری خود شاعران و تحت نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی تشکیل بدهیم. این برنامه را در سال های آینده با گسترش قالب ها به صورت بین المللی برگزار خواهیم کرد.

کار برگزاری کنگره به خود شاعران واگذار شد

یوسف بینا درباره تعطیلی چندساله این جشنواره و اختلال در برگزاری مرتب آن می گوید: در بعضی دوره ها، بعضی مسئولان فرهنگی شاید احساس نیاز نمی کردند یا تعریف دیگری از برنامه های فرهنگی داشتند، یا شاید نمی خواستند به شکل شاعرپسند برنامه را برگزار کنند. نکته این است که وقتی برنامه های ادبی و به ویژه شعری را برگزار می کنیم، هر ملاحظه ای هم که داریم، باید توجه داشته باشیم که خود شاعران باید محور بحث باشند. شاعران هم مشخص هستند. نباید-آن طور که در بعضی دوره ها شاهد بودیم- نگاهی داشته باشیم که حتما بگوییم برنامه ادبی باید با فلان و بهمان هدف ها و آدم ها برگزار شود. او آفات این نگاه را چنین برمی شمارد: این طور محدودیت های سازمانی یا مدیریتی که در میان باشد، برنامه ها از رونق می افتد یا به نتیجه نمی رسد. اگرچه ممکن است رزومه بعضی از مدیران را درگذشته پرکرده باشد، اما پررونق برگزار نمی شود. یک نشست فرهنگی و شعری باید فقط مختص فرهنگ و شعر باشد، نه چیز اضافه ای که بر آن بار شود. تجربه ای که در ماه های اخیر با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان داشتیم، این بود که کار برگزاری کنگره شعر «توس تا نیشابور» به شاعران واگذار شد.

او در پاسخ به اینکه چه تضمینی وجود دارد که این جشنواره ادامه پیدا کند و به سرنوشت بسیار جشنواره های دیگر و گذشته خودش دچار نشود، می گوید: نمی توانیم تضمینی برای برنامه های فرهنگی در نظر بگیریم و قائل شویم، چون برنامه های فرهنگی تا حد زیادی وابسته به همکاری و بودجه های فرهنگی نهادهای رسمی و دولتی است و آن ها باید حمایت و -علاوه بر این- باید اعتماد کنند. مدیران فعلی این فضا را فراهم کردند. تا وقتی این فضا باشد، می شود امیدوار بود به استمرار این کنگره. تا جایی که بشود، ادامه می دهیم؛ اما تضمین صددرصدی در کار نیست.

در همه قالب های شعری، اثر داشتیم

سید حسین سیدی، از داوران یازدهمین کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور»، نیز ضمن مقایسه ای کمی و کیفی می گوید: استقبال از جشنواره خوب بود، اما کافی نبود؛ البته، در قیاس با سایر جشنواره ها و با توجه به اینکه امروز جشنواره ها دیگر جایگاه گذشته را ندارند، میزان شرکت کنندگان و آثار ارسالی قابل قبول است. کیفیت آثار هم خوب بود و می شد از آن ها کتابی استخراج کرد که این کار انجام شده است.

او درباره ترتیب و نحوه داوری این دوره بیان می کند: ابتدا شعرها به صورت مکتوب برای داورها ارسال شد. در ادامه، ما تماس هایی با هم داشتیم و یک بار هم جلسه مفصلی برگزار کردیم و آثاری را که بالاترین امتیاز را در داوری های مختلف به دست آورده بودند، بررسی کردیم. روند داوری حدود یک ماه طول کشید.

سیدی نتیجه را چنین اعلام می کند: داوری درنهایت منجر شد به انتخاب سه نفر برگزیده، یعنی مجتبی صفدری از گیلان، فرزاد رحیمی از لرستان و سجاد حیدری قیری از فارس و پنج نفر شایسته تقدیر، یعنی مهران پوپل از افغانستان، قاسم بای ازگلستان، فرزانه میرزاخانی از شهرکرد، فاطمه سلیمان پور از قم و الهه بیات مختاری از مشهد.

داور یازدهمین دوره کنگره ملی شعر «توس تا نیشابور»، بالاخره، درباب صورت ومحتوای اشعار ارسالی می افزاید: شعرهایی از همه قالب های شعری در این دوره داشتیم و حتی یکی از برگزیدگان ما شاعر سپیدسرا بود. جنس شعرها هم غالبا اشعار ملی-میهنی بود و پس از آن اشعار حماسی، عاشقانه و آیینی.

اعتراض جهانی نویسندگان به فرانسه برای توقف حمایت از هنرمندان غزه

چراغ سبزهایی که خاموش می شوند

ترجمان

گروه فرهنگ و ادبیات| در حرکتی کم سابقه، بیست تن از غول های ادبیات معاصر جهان، ازجمله سالی رونی، آنی ارنو، عبدالرزاق قورنه وویت تان نوئین، با امضای نامه ای سرگشاده، از دولت فرانسه خواسته اند تا برنامه حمایتی خود برای خروج امن نویسندگان، هنرمندان و دانشگاهیان از غزه را از سر بگیرد. این نامه، که پژواک نگرانی عمیق جامعه فرهنگی جهانی است، تصمیمی را به چالش می کشد که به باور آن ها، نه تنها «مجازاتی جمعی» علیه فلسطینیان، بلکه خیانت به سنت دیرینه فرانسه در پناه دادن به اندیشمندانِ درمعرض خطر است.

ریشه های ماجرا: برنامه ای به نام «وقفه» (Pause)

برنامه «Pause»، که در سال ۲۰۱۷ با همکاری دولت فرانسه و نهاد معتبر «کلژ دو فرانس» بنیان گذاری شد، پاسخی بود به بحران های جهانی وافزایش شمار هنرمندان و دانشگاهیانی که به دلیل جنگ وسرکوب سیاسی یا عقیدتی قادر به ادامه فعالیت در کشورهای خود نبودند. این طرح، با ارائه گذرنامه، کمک هزینه و فراهم آوردن فضایی امن، بهشتی موقت برای اهالی فرهنگ و هنر از کشورهایی چون سوریه، افغانستان، اوکراین ومیانمار فراهم کرده است. از اکتبر ۲۰۲۳ و باشدت گرفتن جنگ در غزه، این برنامه به راه نجاتی حیاتی برای ۳۱ هنرمند و پژوهشگر فلسطینی و خانواده هایشان تبدیل شد.

اما این شریان حیاتی در ابتدای ماه اوت ناگهان قطع شد. بهانه این توقف، پُست یک دانشجوی فلسطینی پذیرفته شده در این طرح در شبکه های اجتماعی بود که مقامات فرانسوی آن را «یهودستیزانه» تلقی کردند. دولت فرانسه اعلام کرد تا زمان بررسی کامل این مورد تمامی برنامه های خروج از غزه معلق خواهد بود.

واکنش جهانی: فراتر از یک نامه

تصمیم فرانسه موجی از انتقاد را در سراسر جهان برانگیخت. نویسندگان امضاکننده نامه، که هریک وزنه ای در دنیای ادبیات محسوب می شوند، استدلال می کنند که مجازات یک جمع به خاطر خطای یک فرد با هیچ منطق حقوقی و انسانی ای سازگار نیست. آن ها در نامه خود به امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه، این اقدام را در تضاد مستقیم با تعهدات بین المللی فرانسه ذیل «کنوانسیون های نسل کشی» دانسته اند که کشورها را به محافظت از جمعیت های درمعرض خطر ملزم می کند.

این حرکت اعتراضی را نمی توان جدای از پیشینه سیاسی امضاکنندگانش تحلیل کرد: سالی رونی، نویسنده ایرلندی که آثارش میلیون ها نسخه فروش داشته سال هاست که از حامیان سرسخت جنبش بایکوت فرهنگی اسرائیل (BDS) است. او پیش تر در سال ۲۰۲۱ از ترجمه کتابش به زبان عبری از طریق یک ناشر اسرائیلی خودداری کرده بود و اخیرا نیز اعلام کرد که درآمد حاصل از اقتباس های تلویزیونی آثارش را به گروه های حامی فلسطین اهدا خواهد کرد.

آنی ارنو، برنده نوبل ادبیات از فرانسه، همواره به داشتن مواضع چپ گرایانه و حمایت از حقوق اقلیت ها شهرت داشته است. او نیز از امضاکنندگان قدیمی بیانیه های حمایت از فلسطین و از منتقدان سیاست های اسرائیل است.

ویت تان نوین، نویسنده ویتنامی-آمریکایی و برنده جایزه پولیتزر، که خود تجربه جنگ وآوارگی را در تاریخ خانواده اش دارد، بارها در نوشته ها و سخنرانی هایش مبارزات مردم فلسطین را با تجربیات استعمارزدایی در دیگر نقاط جهان مقایسه کرده است.

عبدالرزاق قورنه، نویسنده تانزانیایی تبار و برنده نوبل، که آثارش عمیقا به مضامین استعمار، هویت و مهاجرت می پردازد، همواره صدایی رسا در دفاع از حقوق پناهجویان و آوارگان بوده است.

هنر در میانه آتش: طرح های مشابه و اهمیت آن ها

برنامه «Pause» فرانسه تنها نمونه از این دست تلاش ها نیست؛ نهادهایی چون «صندوق نجات هنرمندان» (Artist Rescue Trust) در آمریکا و «شبکه بین المللی شهرهای پناهجو» (ICORN) در نروژ وجود دارند که با فراهم آوردن اقامتگاه های امن به هنرمندان در تبعید کمک می کنند تا صدایشان خاموش نشود. این برنامه ها بر این فلسفه استوارند که حمله به فرهنگ و هنر حمله به حافظه و هویت یک ملت است و حفظ آن در دوران بحران یک ضرورت تاریخی است.

تصمیم فرانسه برای توقف برنامه حمایتی خود در چنین بستری، نه فقط یک تصمیم اداری، بلکه یک بیانیه سیاسی تلقی می شود. این اقدام این پرسش را مطرح می کند که آیا تعهد به ارزش های حقوق بشری و آزادی بیان در برابر ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک رنگ می بازد. نویسندگان جهان با صدای بلند پاسخ خود را اعلام کرده اند: هنر و انسانیت نباید قربانی سیاست شوند. حالا، چشم ها به کاخ الیزه دوخته شده تا مشخص شود آیا فرانسه به سنت دیرینه خود در دفاع از فرهنگ وفادار خواهد ماند یا در آزمون غزه راه دیگری را برخواهد گزید.

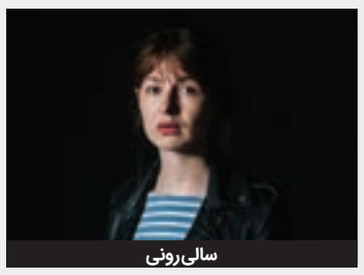
سالی رونی

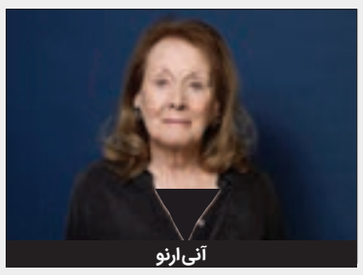
آنی ارنو

ویت تان نوین

عبدالرزاق قورنه

شنبه‌ها با کتاب [۹۸]

معرفی مجموعه داستان کوتاه «تاریخ جهانی بدنامی»

طبع آزمایی مطبوع شاعر خوش نام

احمد آقایی
فعال فرهنگی

خُرخه لوئیس بُرخِس، نویسنده آرژانتینیِ اسپانیولی زبان، یکی از مهم ترین داستان کوتاه نویسان تاریخ ادبیات جهان است؛ نویسنده ای که هیچ گاه رمان ننوشت، اما داستان کوتاه را به آن چنان جایگاه رفیع و بلندی بُرد که کم از رمان ندارد. نویسنده ای که چندان پُرنویس نبود، اما پُرمغز و جاندار می نوشت و برای نوشتن هر جمله اش ساعت ها وگاه روزها وقت می گذاشت. نویسنده ای که عاشق مطالعه بود و براثرِ کثرت خواندن در اواسط عمر یک چشمش کم بینا و تقریبا نابینا شد و در اواخر عمر هر دو چشمش و -همان طور که مترجم محترم و بادانش کتاب در آغاز مقدمه خود نوشته اند- خواندن را از نوشتن «دوست تر می داشت» (ص۹)، نویسنده ای که یکی از «کتاب باز»ترین نویسندگان تاریخ است و اجازه دهید عرض کنم که «کتاب» و به ویژه کتاب های قدیمی و نسخه های خطی کمیاب و دشواریاب، یکی از عناصر محوری در همین چند داستان کوتاه به یادگارمانده از اوست و در بسیاری از این داستان ها، «بهانه شروع نَقل»، همچنان که در داستان شگفت انگیز «حکیم، رنگرز نقاب پوش مَرو» در همین کتاب که در مورد المقنع، یکی از شخصیت های مرموز تاریخ، است و این گونه شروع می شود: اگر اشتباه نکنم، منابع اصلی در مورد المقنع، پیامبر مستور (یا-به بیان دقیق تر- نقاب پوشِ) خراسان، از این چهار اثر بیرون نیستند: الف) «منتخب تاریخ الخلفاء» که به واسطه بلاذری به دست ما رسیده؛ ب) رساله «العملاق» یا کتاب «التدقیق و الاشراف» از مورخ رسمی دربار عباسی، ابن ابی طاهر طیفور؛ ج) یک نسخه خطی عربی با عنوان «اِبطال الوَرده» که ردیه ای است بر بدعت های پلید کتاب «سرخ گل ناپیدا» یا «سرخ گل نهان» [و ...]» (ص۱۰۹).

تا یادم نرفته، عرض کنم که برخس چندین زبان و ازجمله عربی را نیک می دانست، چندین بار قرآن را خوانده بود و نقل است که ترجمه های اسپانیولی و انگلیسی «کمدی الهی» دانته را خواند، اما نپسندید؛ بنابراین، به سراغ زبان ایتالیایی رفت و پس از تسلط بر آن زبان به اصل جنس رجوع کرد! حجم آثار به جامانده از او، در مقایسه با اغلب نویسندگان نام آور قرن بیستم، بسیار اندک است؛ اما -ازآن طرف- تأثیری که برخس بر نویسندگانِ پس از خود گذاشت (چه نویسندگان رمان و داستان کوتاه، چه شاعران، و چه -شاید از همه مهم تر- ناقدان و پژوهشگران عرصه ادبیات) فوق العاده چشمگیر است: نوشته های برخس از آن نوع متونی هستند که اگر تعداد کلمات متن های نوشته شده در مورد آن ها را (اعم از کتاب و مقاله و پایان نامه) بر تعداد کلمات به کاررفته در خودشان تقسیم کنیم، یا -به عبارت دیگر- نسبت آنچه راجع به برخس نوشته یا گفته شده است را به آنچه خود برخس نوشته یا گفته است بیابیم، به عددی به مراتب بزرگ تر از یک می رسیم و از این حیث ایشان مصداق تام این ضرب المثل فارسی است که «کم گوی و گزیده گوی چون دُر/ تا زَاندکِ تو جهان شود پُر».

نگرانم که این جستار، تماما، به ستایش نامه ای تبدیل شود برای این مرد بزرگ و ادیب سترگ، که البته -اگر هم بشود- زهی سعادت! اما، برای اینکه از مسیر همیشگی و هفتگی مان خارج نشویم، اجازه دهید به معرفی کوتاه کتاب امروز که نخستین مجموعه داستان منتشرشده از برخس و -به قول مترجم محترم- «حاصل طبع آزمایی وی در اوایل دهه سی عمر و دارای انسجام رویکرد و نیز انسجام موضوعی بسیار قوی» (ص۱۰) است نیز بپردازم (باز هم بدون لودادن پایان آن ها که انصافا غافل گیرکننده اند). هر هشت داستان کوتاه این مجموعه یک شخصیت محوری و اصلی دارند که داستان راجع به اوست. در شش داستان اول، نام این شخصیت -که درواقع یک شخصیت واقعی تاریخی و معمولا معروف به «بدنامی» است (البته با اندکی تحریف در تاریخ، به مقدار لازم!)- در آغاز نام داستان آمده است، به همراه یک صفت نسبتا طولانی که توصیف گر اوست. به عناوین شش داستان نخست عنایت فرمایید: «لازاروس مُرِل، بازخریدار سنگدل»، «تام کاسترو، شیاد ناواقع نما»، «بیوه چینگ، دریازن» «مانک ایستمن، تدارکاتچی بی انصافی»، «بیل هریگن، قاتل بی غرض»، «کُتسوکه نو سوکه، استاد ادب نشناس آداب دربار». داستان هفتم، همان «حکیم ...»، نام شخصیت اصلی را در عنوان ندارد، اما -همان طور که عرض کردم- راجع به المقنع است. بالاخره داستان هشتم، با عنوان «مردی از بیغوله صورتی»، تعمدا و برای حفظ تعلیق داستان تا سطر آخر آن، فاقد نام شخصیت اصلی در عنوان، و اجازه دهید عرض کنم یکی از درخشان ترین داستان های این کتاب است، داستانی که عجیب یادآور دو داستان کوتاه بسیار معروف است: یکی «زخم شمشیر» بُرخس (البته با جابه جایی قطب مثبت و منفی ماجرا) و دیگری «سلمونی» رینگ لاردنر.

در پایان، حیف است ناگفته بگذارم که ترجمه دقیق، عالمانه و متناسب با فضا و لحن هر داستان، در کنار پاورقی ها و مؤخره های مترجم محترم -که در مواردی حجمشان بیشتر از حجم خود داستان است- خواندن این کتاب را به تجربه ای کم نظیر و به یادماندنی تبدیل می کند، به ویژه برای عاشقان ادبیات و داستان کوتاه.

«تاریخ جهانی بدنامی»، نوشته خُرخه لوئیس بُرخِس، ترجمه سپاس ریوندی، نشر مَد، ۱۷۶ صفحه، ۱۶۰ هزار تومان.